

## ارث حساب های مجازی

عباس میرشکاری \*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۲۰

### چکیده

با استفاده روزافزون از فضای مجازی مسائل جدیدی نیز ظهور پیدا کرده است. بی گمان یکی از مسائل اصلی این است که پس از مرگ کاربران چه سرنوشتی در انتظار حساب های آنها در فضای مجازی و نیز، محتویات این حساب ها خواهد بود؟ در مقام پاسخ به این پرسش، باید توجه داشت که حساب از آن شرکی است که آن را ایجاد می کند و به کاربر تنها اجازه استفاده از آن را می دهد. برای همین، با مرگ کاربر، این اجازه از بین خواهد رفت اما اطلاعات، مخلوق عمل خود کاربر است، پس متعلق به اوست. حال، آیا این سخن بدین معناست که اطلاعات پس از مرگ کاربر به وراثت او خواهد رسید؟ برخی بر این اعتقادند که اطلاعات مجازی همچون اموال مادی به ارث خواهند رسید اما این قیاس نارواست: اموال مادی برخلاف اطلاعات موجود در فضای مجازی، کمتر می توانند حریم خصوصی مالک و به ویژه، اشخاص ثالث را نشان دهند، بر همین اساس و در راستای حفظ حریم خصوصی، به نظر می رسد تنها مالکیت اطلاعاتی که خود کاربر پیش از مرگ به صورت عمومی نشر داده و نیز، آن دسته از اطلاعاتی که ارزش مالی دارند یا به امور مالی فرد مربوط می شوند، به وراثت خواهد رسید. قاعدتاً سایر اطلاعات که افشای آنها حریم خصوصی شخص را نقض می کند، باید از بین بروند یا آنکه با گذشت مدت طولانی پس از مرگ کاربر به صورت عمومی افشا شوند.

کلیدواژه ها: ارث، اطلاعات، حریم خصوصی، مال.

یک- در روزگاری نه چندان دور، مردم با دوربین‌های ساده عکس می‌گرفتند و پرینت عکس‌ها را در آلبوم می‌گذاشتند یا برای همدیگر نامه می‌نوشتند و تا مدت‌ها نامه را محفوظ نگه می‌داشتند. طبیعتاً با توجه به ماهیت ملموس این عکس‌ها و نامه‌ها، مشکل ویژه‌ای درباره وضعیت آنها پس از مرگ صاحبانشان رخ نمی‌داد: معمولاً خود شخص درباره وضعیت آنها تصمیم می‌گرفت، اگر هم چنین نمی‌شد، وراثت شخص، همچنان که مالک سایر اشیاء و کالاهای متوفای می‌شدند، مالکیت عکس‌ها، نامه‌ها و دیگر موارد مشابه بازمانده از متوفای را نیز، به دست می‌آوردند (Carroll & Romano, 2011, p.32). فرآوانی این گونه اشیاء نیز آن اندازه نبود که توجه نظام حقوقی را به خود جلب کند اما امروزه با توجه به رشد فزاینده ابزارهای دیجیتال، روزگار تغییر کرده است: (برای ملاحظه رشد شتابان فضای مجازی Beyer, 2012, p.40, Naomi, 2011, p.36). مردم در فضای مجازی، به آسانی می‌توانند حساب‌هایی را باز می‌کنند و سپس با استفاده از این حساب‌ها، اطلاعاتی ذخیره یا برای همدیگر پیام فرستاده یا دریافت کنند. تا زمانی که کاربر حساب زنده است، طبیعتاً مدیریت حساب بر عهده خود وی است اما پس از مرگ کاربر، چه باید کرد؟ آیا مالکیت حساب یا اطلاعات مندرج در آنها از طریق ارث به وراثت شخص خواهد رسید یا آنکه با مرگ کاربر، حساب یاد شده منقضی خواهد شد؟

دو- این موضوع تنها پرسشی نظری نیست بلکه در رویه قضایی کشورهای دیگر نیز مطرح شده است. برای نمونه، پس از مرگ شخصی به نام Ellsworth خانواده وی در آمریکا، تصمیم گرفتند تا عکس‌ها و تصاویر وی را جمع کنند. در همین مسیر، از یاهو خواستند تا کپی ایمیل‌های فرزندشان را در اختیار آنها بگذارد اما یاهو با توسل به شروط قراردادی که کاربر در هنگام افتتاح حساب، آن را قبول کرده بود، حساب را غیرقابل انتقال دانست. به علاوه، ادعا کرد که انتشار ایمیل‌ها، حریم خصوصی اشخاصی که پیام ارسال یا دریافت کرده بودند را نقض می‌کند. با اقامه دعوا از سوی پدر، دادگاهی در میشیگان حکم داد تا یاهو کپی کلیه ایمیل‌های دریافت شده را در اختیار خواهان بگذارد بی‌آنکه اجازه دسترسی به خود حساب داده شود. (John Ellsworth's vs Yahoo, conner, 2011, p.301, Truong, 2009, p.57) در پرونده‌ای دیگر، خانواده‌ای که فرزند آنها خودکشی کرده بود از فیس‌بوک و گوگل می‌خواهند تا به حساب فرزندشان دسترسی پیدا کنند. با امتناع این دو و طرح دعوا از سوی والدین، دادگاه حکم می‌دهد تا شرکت‌های یاد شده، اطلاعات حساب فرزند را در اختیار والدین بگذارند. اگرچه گوگل به حکم دادگاه

عمل کرد و اجازه دسترسی والدین به ایمیل فرزندشان را داد اما فیس‌بوک پس از اخذ تعهد از والدین مبنی بر عدم انتشار محتوای حساب، به حکم دادگاه عمل کرد. (Lamm, 2012, p.1)

سه- دو نکته در پذیرش امکان ارث‌بری از حساب‌ها و اطلاعات مجازی ایجاد تردید می‌کند: نخست آنکه در گذشته محل نگهداری عکس و نامه، آلبوم یا کتابخانه شخصی فرد بود که طبیعتاً مالکیت آن به صاحب عکس و نامه تعلق داشت اما امروزه فرصت ایجاد حساب‌های مجازی توسط یک شرکت تأمین می‌شود، بنابراین، اگرچه محتوای این حساب‌ها از آن ماست اما بستر نگهداری و انتشار این محتوا را نمی‌توان نادیده گرفت: پس در هنگام داوری درباره وضعیت این حساب‌ها پس از مرگ، باید به اراده شرکت یاد شده نیز توجه شود. (Dickens, 2007, p.379). به‌ویژه آنکه دسترسی به حساب نیاز به رمز عبور دارد که قاعدتاً وراثت شخص از آن اطلاعی ندارند، بنابراین، بدون کمک شرکت یاد شده، امکان دسترسی به حساب میسر نخواهد بود. (Beyer, 2012, p.40). به‌علاوه، حساب‌های مجازی ارتباط عمیق و ناگسستنی با حریم خصوصی کاربر دارد: اطلاعات این حساب‌ها، جزو حریم خصوصی شخص شمرده می‌شود، بنابراین، شاید خود کاربر نیز، تمایلی برای انتقال مالکیت آنها به وراثت نداشته باشد. (Watkins, 2014, p.193). بنابراین، پذیرش انتقال قهری مالکیت حساب‌های مجازی به وراثت شخص با حریم خصوصی کاربر در تعارض است.

چهار- اگرچه اراده شرکت‌های تأمین‌کننده حساب‌های مجازی معمولاً بر انقضای این حساب‌ها با مرگ خود شخص است و اگرچه عامل حریم خصوصی را نمی‌توان در داوری نهایی نادیده گرفت اما از دیگر سو، نمی‌توان منکر شد که ماهیت اطلاعات مندرج در این حساب‌ها، در واقع، چیزی متفاوت از همان تصاویر و نامه‌های قدیمی نیستند، پس چرا باید این دو موضوع که ماهیتی یکسان دارند، دو حکم متفاوت داشته باشند؟ به‌علاوه، محتوای این حساب‌ها، می‌توانند یادگار ارزشمندی برای بازماندگان شخص باشند، پس چرا باید به آسانی امکان داشتن آن را از بازماندگان سلب کرد؟ (Ariana E. Cha, 2005, p.1) افزون بر این‌ها، گاه حساب ارزش مالی داشته (مانند حساب‌هایی که برای دانلود آهنگ یا کتاب وجود دارد) یا اینکه شخص از حساب خویش استفاده مالی می‌کرده است. (Banta, 2014, p.12) محروم کردن وراثت از این امکان مالی چندان منطقی نیست. (Watkins, 2014, p.193) به همه این‌ها، این نکته را نیز باید افزود که گاه، این حساب‌ها منبع اطلاعاتی مناسبی شمرده می‌شوند. این منبع اطلاعاتی می‌تواند در اداره ترکه شخص و یا پاسخ به پرسش‌های بازماندگان کمک مؤثری بکند.

تأمین‌کننده فضای مجازی و نظر به بالا رفتن سن کاربران، باید از هم اکنون درباره این موضوع تصمیم گرفت. هفت- در مقاله پیش‌رو، ابتدا مفهومی از حساب و اطلاعات مجازی ارائه شده و سپس، رویکرد قانون‌گذاران و نیز، رویه اداری شرکت‌های تأمین‌کننده حساب مجازی بررسی می‌شود. بعد از این، درباره امکان ارث بردن از اطلاعات مجازی بحث خواهد شد. سرانجام نیز، با توجه به نظام حقوقی کشور ایران، بحث و نتیجه‌گیری خواهد شد.

**بند نخست- مفهوم حساب و اطلاعات مجازی**

حساب مجازی ابزاری الکترونیکی است که به شخص امکان ایجاد، ارسال، دریافت، ذخیره و نمایش اطلاعات را در فضای مجازی می‌دهد. (Evan Carroll, 2012, p1) (Jason Mazzone, 2013, p13) نیز از این امکان، شخص می‌تواند برای دیگران نام، تصویر، آهنگ و هر گونه اطلاعات دیگر را بفرستد و یا از آنها، این اطلاعات را دریافت کند. حساب مجازی مصادیق مختلفی دارد. (Conway, 2017, pp. 99-115) برخی تلاش کرده‌اند آن را به چهار دسته مالی، تجاری، شخصی و اجتماعی تقسیم کنند (Naomi Cahn, 2011, p36) برای دیدن تقسیم‌بندی‌های دیگر، (CARROLL, 2011, p 39-40) اما به نظر می‌رسد با توجه به گسترش روزافزون مصادیق این حساب‌ها و پدید آمدن حساب‌هایی با کارکردهای تازه، بر دسته‌بندی آنها فایده چندانی مترتب نباشد. (Beyer, 2013, p135) بنابراین، به نظر می‌رسد به‌جای تمرکز بر دسته‌های مختلف حساب‌ها، باید مروری بر مصادیق آنها داشت:

یکی از مصادیق فراگیر و پرکاربرد حساب مجازی، ایمیل‌ها هستند که به شخص امکان ارسال یا دریافت نامه را می‌دهند. همچنین، شبکه‌های اجتماعی نیز مصادیق نوظهور حساب مجازی هستند. این شبکه‌ها که در دهه گذشته پدید آمده‌اند، به اشخاص اجازه می‌دهند با افتتاح حساب، بتوانند اطلاعات دلخواه خویش را در آنها بارگذاری کنند. برای نمونه، می‌توان از فیس‌بوک نام برد. بر خلاف ایمیل که اطلاعات آن تنها برای دارنده ایمیل و مخاطب، قابل دسترسی است، اطلاعات موجود در شبکه‌های اجتماعی، برای افراد بیشتری (بسته به انتخاب کاربر) قابل رویت‌اند. (conner, 2011, p301) شبکه‌های موبایلی مانند اینستاگرام و تلگرام را نیز نباید از یاد برد. همچنین، برخی از حساب‌ها، جنبه مالی دارند. حساب‌های بانکی و حساب‌هایی که به شخص اجازه خرید از بازارهای الکترونیک را می‌دهند، در این دسته قرار دارند. برای نمونه می‌توان از سایت آمازون نام برد. برخی از سایت‌ها نیز به شخص اجازه بارگذاری محتوا می‌دهند، به نحوی که این محتوا بعداً توسط خود شخص یا دیگران قابل دسترسی است.

با توجه به تعریف ارائه شده از حساب مجازی، حساب

(Cummings, 2014, p898) برای نمونه، در سال ۲۰۱۱ در آمریکا پسر پانزده ساله‌ای خودکشی کرد. برای والدین این طفل، پرسش‌های مختلفی درباره علت خودکشی پیش آمد. تصور آنها این بود که صفحه فیس‌بوک فرزند می‌تواند پاسخی برای پرسش‌های آنها فراهم کند اما فیس‌بوک به دلیل امکان نقض حریم خصوصی به درخواست آنها پاسخ منفی داد. (Watkins, 2014, p193) در پرونده‌های دیگر نیز همین رویکرد دنبال شده است. (declan mccullagh, 2012, p1)

پنج- نظام‌های قانون‌گذاری غالباً هنوز نتوانسته‌اند درباره وضعیت این حساب‌ها تصمیم بگیرند. (Watkins, 2014, p773, Tarney, 2012, p193). در واقع، در اینجا نیز، فن‌آوری، پیشروتر از حقوق، توانسته مسائلی را مطرح کند بی‌آنکه نظام قانون‌گذاری فرصت پاسخ دادن به این مسائل را بیابد. (Varnado, 2014, p.719) برای همین، بر عهده حقوق‌دانان است که با استفاده از اصول کلی، درباره وضعیت این حساب‌ها تصمیم بگیرند و به قانون‌گذاران پیشنهاد بدهند. شش- در کشور ما، ایجاد و استفاده از این حساب‌ها رشد شتابانی داشته چنانکه بر اساس نظرسنجی انجام گرفته در بهمن سال ۱۳۹۶، در حال حاضر ۵۹٫۷ درصد افراد بالای ۱۲ سال کشور حداقل در یکی از شبکه‌های اجتماعی حساب دارند (<http://ispa.ir/Default/infographic/fa/infographic>. Last visited: 9/6/2018) اما در ادبیات حقوقی، کمتر به این موضوع پرداخته شده. این در حالی است که حقوق‌دانان کشورهای دیگر و به‌ویژه کشور آمریکا بسیار در این زمینه فعال بوده‌اند. (Conway, 2017, pp.99-115) شاید دلیل این امر، تابعیت عمدتاً خارجی شرکت‌های تأمین‌کننده حساب بوده که باعث شده دغدغه‌ای برای حقوق‌دانان ما مطرح نشود. شاید هم موضوع به سن کاربران این شبکه‌ها در ایران مربوط باشد، چرا که بر اساس نظرسنجی یاد شده، گروه سنی جوان (۱۸ تا ۲۹ سال) با ۸۱ درصد، بیشترین عضویت را در شبکه‌های اجتماعی در حال حاضر دارا هستند؛ طیف سنی که قاعدتاً مسئله مرگ درباره آنها کمتر مطرح می‌شود.

(<http://ispa.ir/Default/infographic/fa/infographic>)

برای همین، مسئله حساب‌های مجازی پس از مرگ برای حقوق‌دانان ایرانی کمتر دغدغه‌آفرین بوده تا جایی که در پیش‌نویس لایحه حمایت از داده‌ها و حریم خصوصی در فضای مجازی که می‌توانست جای مناسبی برای طرح این موضوع باشد، سخنی در این باره گفته نشد.

(ito.gov.ir/documents/20181/0.Last visited: 9/6/2018)

با این حال، با توجه به رشد شرکت‌های ایرانی

مرگ کاربر تصمیم بگیرند. (برای دیدن تلاش‌هایی در آمریکا برای رسیدن به قانونی واحد اگرچه هنوز به نتیجه نرسیده است: (Obenshain, 2015, p41). به عنوان استثنا، تنها باید از آمریکا یاد کرد که در حال حاضر هفت ایالت آن توانسته‌اند قوانینی درباره این موضوع به تصویب برسانند. ایالت کنتیکت، اولین ایالتی بود که در این زمینه قانون وضع کرد. به موجب این قانون که از سال ۲۰۰۵ لازم‌الاجرا شد، لازم است شرکت فراهم کننده ایمیل، کپی پیام‌های ارسال و دریافت شده از طریق ایمیل را در اختیار وراثت کاربر قرار دهد. ایالت‌های رودآیلند (Cumings, 2014, p898) و ایندیانا (Hollon, 2013, p1031) نیز از همین رویکرد پیروی کردند. به هر روی، این قوانین فقط نسبت به ایمیل اعمال می‌شود و درباره دیگر حساب‌های مجازی قابل اعمال نیستند.

(<http://www.Digitalpassing.com/2013/08/30/august-2013-list-state-laws-proposals-fiduciary-access-Digital-property-incapacity-death/.lastvisitedat:11/2/2017>).

در برخی ایالات، مانند نوادا تنها وراثت اجازه پایان بخشیدن به حساب را دارند بی‌آنکه بتوانند به محتوای حساب دسترسی داشته باشند. (Maria Perrone, 2012, p86) برخی دیگر از ایالت‌ها، دامنه اختیار وراثت را به سایر حساب‌های مجازی نیز گسترش داده‌اند. برای نمونه، بر اساس قانون مصوب مجلس اوکلاهاما (مصوب ۲۰۱۰)، وصی یا مدیر ترکه اختیار دارد تا نسبت به کنترل، تداوم فعالیت یا اتمام فعالیت حساب‌های شخص متوفای بر روی شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها، پیام‌رسان‌ها یا ایمیل‌ها اقدام نماید. (jim lamm, 2012, p11) ایالت ایداهو نیز همین گونه است. (Hollon, 2013, p1031) آخرین ایالتی که در این باره قانون وضع کرده، ایالت دلاور است. بر اساس قانون مصوب مجلس این ایالت در سال ۲۰۱۴، وراثت، خانواده و مدیران ترکه بازمانده از متوفای کنترل کامل بر محتوا و خود حساب‌های دیجیتال متوفای شامل ایمیل و رسانه‌های اجتماعی خواهند داشت درست همانند همان کنترل که بر اسناد فیزیکی دارند. (Gaied, 2016, p 281) ایالت‌های دیگر نیز در مرحله تهیه پیش‌نویس برای تصویب قانون هستند. (Rachel Pinch, 2015, p545)

#### ب- رویه جاری

در رویه شرکت‌های فراهم کننده حساب، رویکرد واحدی دیده نمی‌شود، بلکه این شرکت‌ها بسته به صلاحدید خویش رویکرد متفاوتی را انتخاب کرده‌اند. این رویکردهای متفاوت همانند یک طیف می‌مانند که در دو سوی روبه حداقل و رو به حداکثر قابل تقسیم‌اند. در رویکرد رو به حداقل، تنها

یاد شده بستری است برای انتقال اطلاعات. از همین نکته باید برای تمایز میان دو مفهوم حساب و محتوای حساب استفاده کرد. (perrone, 2012, p86) محتوای حساب هر گونه اطلاعاتی است که در حساب ذخیره شده است. (Conway, 2017, pp.99) شرکت فراهم کننده، ایجاد کننده حساب است، پس ادعای مالکیتش بر حساب پذیرفتنی است: کاربر فقط مجوز استفاده از حساب را دارد، مجوزی که قابل انتقال نیز نیست، samantha haworth (2014) اما اطلاعات مندرج در حساب از سوی کاربر و با کار او ایجاد می‌شود، برای همین و از آنجا که «هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است» (اصل ۴۶ ق.ا.) شرکت نمی‌تواند اطلاعات این حساب‌ها را از آن خود تلقی کند، (Truong, 2009, p57) در توجیه این تمایز، می‌توان وضعیت شرکت‌های مذکور را با اجاره دهنده یک انبار (conner, 2011, p301) یا متصدی حمل و نقل مقایسه کرد: (Darrow, 2008, p1) وقتی شما انباری را از آقای الف اجاره می‌کنید یا از او می‌خواهید تا کالایی را به مکان مشخصی حمل کند، آیا الف مالک اموالی می‌شود که شما در انبارش گذاشته‌اید یا شما ارسالش را خواسته‌اید؟ طبیعتاً، چنین نیست. شما همچنان مالک کالا هستید و الف نمی‌تواند ادعای مالکیت داشته باشد. بر همین اساس، وقتی شما در حساب مجازی خویش، عکسی را ذخیره می‌کنید یا نامه‌ای را ارسال می‌کنید، شرکت مورد بحث مالک آن عکس یا نامه نخواهد شد. (Darrow, 2007, p291, mazzone, 2012, p1644) بر این اساس، می‌توان گفت اطلاعاتی که دریافت می‌شود در مالکیت شخص قرار می‌گیرد. (Perrone, 2012, p86, Darrow, 2007, p313, conner, 2011, p301) در همین مسیر، شرکت‌های فراهم کننده ایمیل یعنی یاهو، گوگل و مایکروسافت و برنامه دراپ باکس و برخی از شبکه‌های اجتماعی مانند توییتر به طور صریح اعلام می‌کنند که محتوا از آن صاحب حساب است.

(<https://www.dropbox.com,https://policies.google.com/terms,http://windows.microsoft.com/en-us/windows-live/microsoftservices-Agreement,http://info.yahoo.com/legal/us/Yahoo/utos/utos-173.html,https://twitter.com/tos,lastvisitedat:27/2/2017>).

#### بند دوم- رویکرد نظام قانون‌گذاری و رویه جاری

در بند پیش‌رو، رویکرد قانون‌گذار در کشور آمریکا و نیز، رویه‌های جاری شرکت‌های فراهم کننده حساب‌های مجازی بررسی خواهد شد.

#### الف- رویکرد قانون‌گذاری

قانون‌گذاران کشورهای مختلف (و از جمله، کشور ما) هنوز نتوانسته‌اند درباره وضعیت اطلاعات مجازی پس از

answer/14300?hl=en. last visited at: 20/4/2017).

در عمل نیز، گوگل از این اختیار به صورت نادر استفاده کرده است. (perrone, 2012, p86) رویه فیس‌بوک نیز به همین سمت وسو است.

(<https://www.facebook.com/help/o38979397oz43>. last visited at: 20/4/2017 .)

این شرکت در آخرین نسخه سیاست‌های خویش درباره حساب‌های کاربران متوفا، این اختیار را به شخص می‌دهد تا خود، پیش از مرگ، درباره سرنوشت حساب پس از مرگش تصمیم بگیرد؛ او می‌تواند تصمیم بگیرد که در صورت فوت، حساب بسته شود یا آنکه در وضعیت موجود در زمان مرگ کاربر باقی بماند بدون آنکه امکانی برای ورود به حساب وجود داشته باشد. (conner, 2011, p301, edwards, 2013, p12). بازماندگانش اجازه دانلود محتوای حساب را بدهد. بدین ترتیب و در میان این گزینه‌ها، امکانی برای به دست آوردن نام کاربری و پسورد به منظور دسترسی به خود حساب منظور نشده است. با این حال، در عمل، این مقرر مهم است به نحوی که ضوابط و شرایط اعمال آنها مشخص نیست. (mccallig, 2014, p. 107) به علاوه، این اختیارها در قسمت شروط قراردادی درج نشده، بلکه در قسمتی موسوم به کمک نوشته شده است.

(<https://www.facebook.com/help/contact/?id=305593649477238>. last visited at: 20/4/2017)

برای همین، می‌توان در الزام آور بودن آن برای هر دو طرف تردید کرد. (lilian edwards, 2013, p103)

نکته جالب توجه این است که عمدتاً شرکت‌های ایرانی فعال در زمینه ایجاد حساب مجازی، در شروط خویش هیچ گونه مقرره‌ای درباره وضعیت حساب پس از مرگ کاربر ندارند. برای نمونه، می‌توان از سایت پیکو فایل به عنوان سایت آپلود فایل (<http://www.picofile.com/>) به عنوان سایت آپلود فایل (terms. last visited at: 20/4/2018) و برنامه‌های سروش (<https://soroush-app.ir>. last visited at: 20/4/2018) و ایتا (<https://eitaa.com>. last visited at: 20/4/2018) به عنوان پیام‌رسان نام برد. سایت‌های ارائه‌دهنده ایمیل نیز وضعیتی مشابه دارند.

(<https://mail.iran.ir/signUp>, <https://vatanmail.ir>. last visited at: 20/4/2018)

**بند سوم - تحلیل رویکردهای مختلف درباره امکان**

**ارث‌بری حساب‌های مجازی**

در تحلیل امکان ارث‌بری حساب مجازی، باید چهار عامل را مدنظر داشت: نخست، می‌توان به موضوع از

گزینه‌ای که پس از مرگ کاربر وجود دارد، اختیار پایان دادن به حساب است بی‌آنکه امکان مدیریت حساب و حتی کمتر از آن، اجازه دسترسی به محتوای حساب فراهم باشد. تویتر در این دسته می‌گنجد. این شبکه، به خویشان نزدیک کاربر پس از مرگ وی این اجازه را می‌دهد که با ارائه مدارکی مشخص و از جمله گواهی فوت کاربر، درخواست بستن حساب را داشته باشند. این شرکت تصریح می‌کند که اجازه دسترسی به خود حساب را به دیگران نخواهد داد.

(<https://support.twitter.com/groups/33-report-abuse-or-policy-violations/topics/148-policy-information/articles/87894-howto-contact-twitter-about-a-deceased-user>. last visited at: 12/2/2017).

در ضمن شروط یا هو برای افتتاح حساب ایمیل نیز چنین درج شده که حساب شخص با مرگ خود او از بین می‌رود. (<http://info.yahoo.com/legal/us/yahoo/mail/mailplustos/mailplustos-297.html>. last visited at: 12/2/2017).

بنابراین، تنها خود کاربر اجازه استفاده از آن را خواهد داشت. خویشاوندان نزدیک می‌توانند پس از فوت شخص، گواهی لازم را برای یا هو ارسال کنند. یا هو نیز، نسبت به بستن حساب اقدام خواهد کرد بی‌آنکه چیزی از محتوای حساب باقی بماند. (Cummings, 2014, p898, perrone, 2012, p86)

بدین ترتیب، در این رویکرد، امکان و گزینه دیگری برای سرنوشت حساب وجود ندارد. شاید اراده غالب کاربران فضای مجازی این باشد که با مرگشان حساب خاتمه یابد اما در همه موارد این چنین نیست. برای همین، باید این فرصت نیز به کاربران داده شود که بتوانند گزینه دیگری انتخاب کنند.

در همین مسیر، در رویکرد رو به حداکثر، اختیار بیشتری برای بازماندگان قائل می‌شوند. چنانکه برخی از شرکت‌ها محتوای حساب را در اختیار وراثت شخص قرار می‌دهند. برای نمونه، می‌توان از مایکروسافت نام برد.

([http://answers.microsoft.com/En-us/outlook\\_com/forum/oaccount-omyinfo/my-family-member-died-recentlyis-In-coma-what-do/308cedce-5444-4185-82e8-0623ecc1d3d6](http://answers.microsoft.com/En-us/outlook_com/forum/oaccount-omyinfo/my-family-member-died-recentlyis-In-coma-what-do/308cedce-5444-4185-82e8-0623ecc1d3d6). last visited at: 20/4/2017)

رویکرد گوگل نیز، همین گونه است با این تفاوت که اعلام می‌کند در موارد نادر اجازه دسترسی وراثت به محتوای حساب را خواهد داد اما مراد از موارد نادر و شرایط دسترسی به محتوا را مشخص نمی‌کند.

(<https://support.google.com/mail/>)

دریچه حقوق اموال نگریست. از این دریچه، باید دید آیا می‌توان حساب را مال شمرد یا خیر؟ پذیرش مالیت حساب، احتمال ارث‌بری از آن را تقویت می‌کند. همچنین، نمی‌توان از نظر دور داشت که حساب نتیجه قرارداد میان دو شخص است: شخصی که حساب را ایجاد می‌کند و شخصی که از حساب استفاده می‌کند. برای همین، باید شرایط قرارداد میان این دو را دید. افزون بر این دو عامل، حقوق شخصیت کاربر را نیز باید در نظر گرفت: حساب حاوی اطلاعات شخصی کاربر است، پس حق حریم خصوصی وی باید پاس داشته شود. در نهایت، باید منافع عمومی جامعه را نیز به حساب آورد. بدین ترتیب، منافع وراثت، شرکت‌ها، خود کاربر و در نهایت، جامعه در این موضوع با یکدیگر تعارض می‌یابد. گفتنی است برخی از نویسندگان، راه حل تعارض منافع یاد شده را در ترغیب اشخاص به تعیین تکلیف موضوع در وصیت‌نامه خویش دیده‌اند. (Watkins, 2014, p193)؛ اما معمولاً اشخاص در هنگام نگارش وصیت‌نامه، خیلی به حساب‌های مجازی‌شان فکر نمی‌کنند. (conner, 2011, p301) به علاوه، اگر اطلاعات مندرج در حساب مجازی، تنها درباره خود کاربر بود، پذیرش اراده وی منطقی بود اما می‌دانیم که اطلاعات اشخاص ثالثی که به کاربر پیام داده یا از او پیام دریافت کرده‌اند، نیز مطرح است. برای همین، اگر کاربر در وصیت خویش برای دسترسی دیگران به حسابش اجازه داده باشد، می‌تواند حریم خصوصی اشخاص ثالث را به خطر بیندازند، به‌ویژه، این خطر در فرضی که دارنده حساب، یک پزشک، روان‌شناس یا یک وکیل است، بیشتر خواهد شد. (obenshain, 2015, p41) برای همین، به نظر می‌رسد امید بستن به وصیت کاربر چندان منطقی نباشد. به هر روی، در این بخش با توجه به رویکردهای مختلف، تلاش می‌شود تعارض منافع یاد شده بررسی شود.

**الف- رویکرد حقوق اموال**

در این رویکرد، به محتوای حساب مجازی به‌مثابه همانند مال واقعی نگریسته شود. (noam kutler, 2011, p1645, mazzone, 2012, p1648, jamie p. Hopkins, 2013, p209, Justin Atwater, 2006, p 397) در نتیجه، همان گونه که مال واقعی با ارث به وراثت می‌رسد حساب مجازی نیز همین گونه خواهد بود. بر اساس همین رویکرد، در یک قضیه مشهور، (John Ellsworth's VS Yahoo) قاضی در برابر خواسته خواهان برای دسترسی به حساب فرزند متوفای خویش، یاهو را به ارائه اطلاعات محکوم کرد. در متن این رأی، محتوای حساب مجازی به

اموال واقعی قیاس شده است. (natasha chu, 2015, p75, Nicole schneider, 2013, p16) حساب‌های مجازی را واقعاً می‌توان مال شمرد؟ تصویری که الف از خویش در اینستاگرام گذاشته یا خاطره‌ای که ب در صفحه فیس‌بوکش نوشته، چه ارزش مالی دارد تا بتوان آن را به‌عنوان مال ارزیابی کرد؟ در پاسخ به این پرسش، برخی ارزش مالی اطلاعات مجازی را انکار کرده و آنها را مال به حساب نمی‌آورند. (natasha chu, 2015, p25, neeli, Tyler g. Shah, 2012, p1, Evan carroll & john., 2012, p773, G. Tarney, 2011, p2, دیگر نیز، ارزش مالی یکشی تعیین کننده برای وضعیت آن به‌عنوان مال نیست. (gerry w. Beyer & kerri m. Griffin, 2011, p3) دارنده‌اش ارزش داشته باشد، باید آن را مال شمرد. به نظر نگارنده و برخلاف آنچه گفته شده، (hopkins, 2013, p 221) تردیدی نیست که ارزش اطلاعات حساب‌ها باهم تفاوت دارد: برخی دارای ارزش مالی اند و برخی فقط جنبه معنوی دارند. (conway, 2017, pp. 99-115) بنابراین، نمی‌توان همه آنها را مال به حساب آورد اما این سخن بدان معنا نیست که اطلاعات مجازی جزو دارایی شخص شمرده نمی‌شود. در واقع، عکس و نامه شخصی نیز ممکن است فاقد ارزش مالی باشند اما درباره اینکه آنها بخشی از دارایی شخص بوده و پس از مرگ به وراثت می‌رسند، کسی تردید نمی‌کند. (varnado, 2014, p719)؛ بنابراین، از آنجا که اطلاعات مجازی، بخشی از دارایی کاربر به حساب می‌آید، قاعدتاً پس از مرگ وی، باید به وراثت او برسند.

با این حال، حساب مجازی می‌تواند (و غالباً این گونه است که) حاوی خصوصی‌ترین اطلاعات شخص باشد، بنابراین، افشای آنها می‌تواند حریم خصوصی فرد را نقض کند. کافی است تصور کنیم که الف برای اب‌یمیلی فرستاده و در آن از احساس خویش نسبت به او سخن گفته، مطلبی که دوست ندارد دیگران از آن باخبر باشند، حال، دسترسی وراثت متوفا به حساب و باخبر شدنشان از محتوای ایمیل برخلاف خواست متوفا و ناقض حریم خصوصی اوست. ممکن است گفته شود داشتن اطلاعات خصوصی ویژه اموال مجازی نیست، برخی از اموال واقعی نیز، همین اطلاعات را در بردارند. در همین مسیر و برای توجیه امکان ارث‌بری از حساب‌های مجازی، برخی به نامه‌ها و تصاویر و یادداشت‌های روزانه استناد می‌کنند: این اموال، همانند اموال مجازی می‌توانند حاوی اطلاعات خصوصی شخص بوده و انتقال آنها به وراثت، حریم خصوصی شخص را نقض کند، این در حالی است که هیچ‌کس اعتقاد به عدم امکان ارث این اموال ندارد.

(Humphreys v. DeRoss, Pa. 2002; jonathan j. Darrow & gerald r. Ferrera, 2007, p 313.)

این نکته، نشان می‌دهد که حریم خصوصی نمی‌تواند مانع جدی در برابر جریان انتقال اموال به وراثت باشد. بر این اساس، اموال مجازی نیز باید با ارث به وراثت منتقل شود اما برخی به این قیاس این گونه ایراد می‌گیرند که اطلاعات مندرج در اموال مادی، ناظر به یک زمان خاص است. خاطره‌ای که در یک زمان خاص نوشته شده یا عکسی که در یک لحظه زمانی مشخص گرفته شده در حالی که اطلاعات مندرج در حساب‌های مجازی در گستره زمان نوشته شده و در قالب حساب جای گرفته‌اند. (United States v. Maynard, 2010) اما گستردگی زمانی تنها ویژه اطلاعات حساب مجازی نیست، دفترچه خاطراتی که حاوی زندگی خصوصی شخص از آغاز تا دم مرگ بوده، جزو مصادیق اموال مادی است اما از لحاظ زمانی محدود نیست. برخی دیگر، از لحاظ حجم اطلاعات، حساب مجازی را قابل قیاس با اموال فیزیکی نمی‌دانند. (natasha chu, 2015, p24) اما به نظر می‌رسد این ویژگی نیز، خاص اموال مجازی نباشد. برخی دیگر بر این باورند که شرط خاصی برای دسترسی به اموال واقعی وجود ندارد: برای دسترسی به این اموال نیاز به رمزی وجود ندارند. بنابراین شخص احتمال می‌دهد یا باید بدهد که این اموال پس از فوت در اختیار دیگران قرار می‌گیرند اما اموال دیجیتال، این گونه نیستند: برای دسترسی به این اموال، نیاز به رمز عبور و نام کاربری است. بنابراین، شخص با این تصور در فضای مجازی می‌نویسد که دیگران به آن دسترسی ندارند. (sandi s. Varnado, 2014, p12) اما در تمامیت این نکته نیز تردید است: کافی است تصور کنیم که دفترچه خاطرات شخص یا آلبوم عکس‌های شخصی‌اش در گاوصندوقی قرار داشته باشد. به نظر می‌رسد آنچه بیشتر از این احتمال‌ها، ناروایی قیاس اطلاعات مندرج در حساب مجازی را با اطلاعات مندرج در اموال مادی نشان می‌دهد، این است که حساب مجازی حاوی یک ارتباط دو یا چندجانبه است، بنابراین، با دسترسی وراثت به اطلاعات حساب کاربری، بیم افشای اطلاعات اشخاص دیگر نیز می‌رود. به علاوه، اطلاعات مجازی به سرعت قابلیت اشتراک‌گذاری و تکثیر دارد، این در حالی است که اموال مادی این چنین نیستند. با توجه به این ویژگی برای نقض حریم خصوصی اشخاص بیم بیشتری وجود دارد. برای همین، باید دغدغه حریم خصوصی را جداگانه بررسی کرد. (ر.ک.به: بندج همین مقاله)

#### ب- رویکرد حقوق قراردادها

در هنگام افتتاح حساب مجازی، توافق‌نامه‌ای در برابر شخص گذاشته می‌شود و از او خواسته می‌شود موافقت خویش را با شروط این توافق‌نامه با کلیک بر یک گزینه مشخص اعلام نماید. تا پیش از این اعلام نیز، حساب برای شخص ایجاد نخواهد شد. برای همین، توافق یاد شده محل مناسبی است تا شرکت فراهم‌کننده، اراده خویش را برای وضعیت حساب پس از مرگ شخص اعلام و موافقت فرد را جلب نماید. (carroll & romano, 2011, p32, Banta, 2014, p12) این توافق‌نامه‌ها از جهت تعیین وضعیت حساب پس از مرگ، حالت‌های مختلفی دارند: در برخی از این توافق‌ها، انتقال اطلاعات حساب در فرض مرگ کاربر مجاز دانسته شده است.

([http://www.ihg.com/hotels/us/en/global/customer\\_care/member-tc](http://www.ihg.com/hotels/us/en/global/customer_care/member-tc), <http://www.marriott.com/rewards/terms/default.mi>. last visited at: 20/4/2017)

در برخی دیگر مانند توافق‌نامه‌های دلتا و فیس‌بوک انتقال مشروط به جلب رضایت شرکت تأمین‌کننده مجاز است.

([https://www.delta.com/content/www/en\\_US/skymiles/program-resources/program-rules.html](https://www.delta.com/content/www/en_US/skymiles/program-resources/program-rules.html), <https://www.facebook.com/legal/terms>, last visited at: 20/4/2017)

در توافق‌نامه برخی از شرکت‌ها مانند مایکروسافت، توئیتر و یاهو به صورت صریح، حساب غیرقابل انتقال معرفی می‌شود.

(<Http://windows.Microsoft.com/enus/windows-live/microsoft-services-agreement>, <https://twitter.com/tos>, <https://policies.yahoo.com/us/en/yahoo/terms/index.htm>. last visited at: 20/4/2017)

از دو جهت می‌توان در اعتبار این قسم از توافق‌نامه‌ها تردید کرد: نخست از این جهت که توافق یاد شده، قرارداد الحاقی است. یک سوی قرارداد که قدرت بیشتری در مذاکره دارد، شرایط آن را از پیش تعیین می‌کند و طرف دیگر که به دنبال افتتاح حساب است، چاره‌ای جز پذیرش تمام یا رد تمامی آن ندارد. لذا با کمترین اندیشه و تأملی موافقت خویش را اعلام می‌نماید. (conway, h., & grattan, s., 2017, p99) برای همین و با علم کاربر به عدم امکان چانه‌زنی است که حتی برای آگاهی از این شروط نیز قدمی از سوی کاربر برداشته نمی‌شود. برخی مطالعات نشان می‌دهد که تنها حدود دو نفر از هر هزار نفر در آمریکا شرایط این توافق‌نامه‌ها را مطالعه می‌کنند. (sandi s. Varnado, 2014, p12) تازه، معلوم نیست آنان که قرارداد

دلیل عدم امکان اثبات اطلاع و رضایت کاربر تردید می‌کنند. (Banta, 2014, p12) برخی از دادگاه‌ها نیز از همین باور پیروی می‌کنند. برای نمونه در قضیه *Ajemian v. Yahoo! Inc.* به سال ۲۰۱۳ دادگاه اعلام کرد که نمی‌تواند احراز کند که آیا قرارداد در صفحه کامپیوتر شخص به نمایش گذاشته شده و آیا مخاطب به نحو معقولی آنها را قبول کرده یا خیر، برای اینکه هیچ مکانی برای اینکه مخاطب قبولی خویش را اعلام نماید، تعبیه نشده بود. این رویه در پرونده‌های دیگر نیز تکرار شد. (*Groff v. America Online, Specht v. Netscape Communications 1998, Corp:2002*)

برخی از نویسندگان به جای تأکید بر عنصر قصد و رضا، تمرکز خویش را بر عدم امکان مذاکره برای تغییر شروط می‌گذارند: کاربر تنها می‌تواند قبول یا رد خویش را اعلام کند بی‌آنکه امکانی برای تغییر مفاد قرارداد داشته باشد. (natasha chu, 2015, p24) بر همین اساس، اعتقاد دارند نمی‌توان قرارداد مورد بحث را صحیح دانست. با این حال، دیوان عالی کشور آمریکا در یک قضیه مشهور اعلام کرد که صرف مذاکره یا عدم مذاکره تعیین‌کننده در عدم اعتبار یک قرارداد الحاقی نیست بلکه باید دید که آیا این قرارداد هم از لحاظ شکل و هم از جهت محتوا بر خلاف انصاف است یا خیر؟

(carnival cruise lines, inc. V. Shute, 1991. Robert Lee Dickens, 2007, p379, Steven Hetcher, 2008, p.829).

به باور دیوان، قراردادهای مورد بحث اگرچه به دلیل عدم امکان مذاکره می‌تواند خلاف انصاف تلقی شود اما در محتوا چنین نیستند.

(Ashley f. Watkins, 2014, p193, Colleen Mccullough, 2016, P779)

در نظام حقوقی ما، علی‌الاصول قراردادهای الحاقی معتبر دانسته شده‌اند مگر آنکه یک طرف قرارداد از اضطراب طرف دیگر سوء استفاده کرده و شرایط دلخواه خویش را تحمیل کند. در این فرض، سوءاستفاده از اضطراب به موارد اکراه ملحق شده و اعمال قواعد عیوب اراده پیشنهاد شده است (جعفری، ۱۳۷۵: ۲۶۳؛ کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۵۱۳)؛ زیرا «در تحقق اکراه فرقی نمی‌کند که وسیله تهدید را اکراه‌کننده به وجود آورد یا اوضاع و احوال خارجی و رویدادهای اجتماعی و طبیعی. آن چه اهمیت دارد جلوگیری از آثار تهدید است نه زمینه‌ساز آن. پس اگر شخص از وضع موجود نیز حربه‌ای برای تهدید بسازد عنصر مادی اکراه را ایجاد می‌کند هرچند در تحقق وضع اضطرابی دخالت نداشته باشد.» (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۵۱۳) بر این اساس، در فرضی که شرکت‌های تأمین‌کننده حساب از وضعیت مسلط خویش و نیاز کاربر

را می‌خوانند متوجه معنای دقیق مفاد آن می‌شوند یا خیر؟ اگر هم متوجه مفاد قرارداد شده و بخواهند حکمی از آن را تغییر بدهند، امکان تغییر نخواهند داشت. (Michael d. Roy, 2011, p381) بنابراین، برخی بر این باورند که اگر ضمن این توافق‌نامه درباره وضعیت حساب پس از مرگ توافقی هم شده باشد، در واقع، نمی‌توان شخص را نسبت به آن قاصد و راضی دانست. برای همین، اعتقاد دارند نباید به مفاد این قراردادها توجه کرد. (jonathan j. Darrow, 2007, p281, Dickens robert lee, 2007, p379). برخی دیگر به صورت مطلق داوری نکرده و با توجه به روش جلب رضایت مخاطب، تفاوت قائل می‌شوند. به باور این گروه، توافق‌های یاد شده از نظر شکلی دو گونه هستند: کلیک رپ<sup>۱</sup> و بروز رپ<sup>۲</sup>. (Preston & McCann, 2011, p17)

در نوع نخست، پس از نمایش مفاد توافق، از مخاطب خواسته می‌شود تا رضایت خویش را با کلیک کردن بر روی گزینه‌ای مشخص اعلام نماید. در صورت عدم کلیک نیز به او اجازه افتتاح حساب داده نخواهد شد.

(<https://www.facebook.com/legal/terms>; <http://www.instagram.com/legal/terms>; <https://www.linkedin.com/legal/user-agreement> last visited at: 20/4/2017).

در واقع، در این توافق‌نامه، کاربر موظف می‌شود برای اینکه بتواند حسابی باز کند ابتدا شروط قرارداد را بخواند و سپس به وسیله کلیک کردن بر دکمه «موافقم» یا «بله» که در ذیل توافق‌نامه آمده است، رضایت خویش را اعلام دارد اما در نوع دوم، مفاد توافق در همان وهله اول به مخاطب نشان داده نمی‌شود، بلکه معمولاً کاربر می‌تواند مفاد قرارداد را از طریق یک لینک مشخص مشاهده کند. کاربر با کلیک بر این لینک، به صفحه دیگری ارجاع داده می‌شود که در آن مفاد توافق‌نامه قرار داده شده است. بدین ترتیب و برخلاف قرارداد کلیک‌رپ، این روش کاربر را موظف نمی‌کند پیش از افتتاح حساب، روی دکمه‌ای کلیک کند؛ بنابراین، از مخاطب انجام کاری برای نشان دادن رضایتش خواسته نمی‌شود. (kutler, 2011, p1641) برخی از نویسندگان، با توجه به همین تفاوت و با یادآوری این نکته که از نظر حقوق قراردادها، شروطی معتبر هستند که به اطلاع مخاطب رسانیده شده و مخاطب رضایت خویش را نسبت به آن اعلام کرده باشد، تنها توافق از نوع نخست را معتبر می‌دانند، چون از نظر آنها هم مخاطب از آنها مطلع شده و هم رضایت خویش را اعلام کرده اما در اعتبار دومی، به

1. clickwrap
2. browsewrap



سوء استفاده کرده و شرایط خویش را تحمیل می‌کند، دادگاه می‌تواند موضوع را در حکم اکراه ارزیابی کند.

افزون بر ایراد یاد شده، ایراد دیگر به محتوای این قراردادها بر می‌گردد: در حقوق آمریکا، به‌عنوان یک قاعده آمره و مرتبط با نظم عمومی گفته می‌شود که مال باید پس از مرگ مالکش به وراثت شخص منتقل شود. در نتیجه، قراردادی که مانع انتقال اموال پس از فوت شود، بر خلاف قواعد ارث بوده و باطل است. برای همین، برخی از نویسندگان، شرط مورد بحث که یا قابلیت انتقال را به‌طور کلی سلب کرده و یا آن را به‌صورت مشروط مجاز می‌دانند، ناقض قاعده یاد شده و باطل می‌دانند. (natalie m. Banta, 2014, p23)

در نظام حقوقی ما، نخست به نظر می‌رسد باید ماهیت حقوقی توافق مورد بحث را بررسی کرد. به نظر می‌رسد کاربرد به‌موجب توافق مورد بحث از شرکت تأمین کننده، می‌خواهد اطلاعات حساب را پس از مرگ وی از بین ببرد. بدین معنا، کاربرد، می‌خواهد شرکت را برای انجام تصرف مشخصی پس از مرگ خویش مأمور کند. این خواسته در قالب وصیت عهدی می‌گنجد. (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۳۲) بر همین اساس، طبیعتاً در فرضی که محتوای حساب، ارزش مالی داشته باشد، وصیت مزبور، در صورتی نافذ است که ارزش آن زیاده بر ثلث ترکه نباشد. (ماده ۸۳۴ ق.م.) اما در صورتی که حساب حاوی اطلاعات غیرمالی باشد، طبیعتاً محدودیت یاد شده اجرا نخواهد شد.

### ج- رویکرد حقوق شخصیت: حریم خصوصی

عمده دفاع شرکت‌ها در برابر درخواست دسترسی به حساب‌های کاربران متوقفاً، استناد به قراردادی است که خود نوشته و در آن، خویش را ملزم به حفظ حریم خصوصی کاربران دانسته‌اند. (molly wilkens, 2011, p1038-39) اما چرا شرکت‌هایی که خود همواره در مظان دسترسی و افشای غیرمجاز اطلاعات کاربران بوده‌اند، این‌گونه بر حریم خصوصی پای فشرده و در برابر افشای اطلاعات حساب کاربران متوقفاً می‌ایستند؟ (Debatin, 2009, p 83, Gross, 2005, p1)

برخی بر این باورند که این شرکت‌ها، بیشتر از آنکه نگران حریم خصوصی کاربران باشند، نگران زمان و هزینه‌ای هستند که باید صرف کنند تا اطلاعات حساب را در اختیار وراثت بگذارند. (chelsea ray, 2013, p583) به باور برخی دیگر، شرکت‌های یاد شده با توسل به حریم خصوصی، در واقع، می‌خواهند به کاربران زنده خویش اطمینان بدهند که حساب‌هایشان پس از مرگ نیز مصون

از دسترسی دیگران خواهد بود؛ چرا که اگر مشهور شوند به اینکه اطلاعات حساب‌ها را در اختیار دیگران قرار می‌دهند، اعتبار آنها مورد تردید قرار گرفته و از درآمد آنها کاسته می‌شود. (Tyler G. Tarney, 2012, p773, john conner, 2011, p301.) جدا از این گمانه‌زنی‌ها، تمایل این شرکت‌ها به رعایت حریم خصوصی ناشی از تکالیف قانونی نیز هست. (wilkens, 2011, p1037) برای نمونه، در آمریکا به‌موجب قانون حفظ حریم خصوصی ارتباطات الکترونیک مصوب ۱۹۸۶ حفظ حریم خصوصی اشخاص در روابط الکترونیک لازم است؛ بنابراین افشای اطلاعات حساب‌ها می‌تواند نقض قوانین یاد شده به شمار آید.

(eleanor laise, 2013, p1, melissa gaied, 2016, p281)

برخی از دادگاه‌ها نیز با استناد به قوانین یاد شده، تصمیم می‌گیرند. برای نمونه، پس از خودکشی فرزند یک خانواده، والدین به دنبال دسترسی به حساب فیس‌بوک وی بر آمدند اما در سال ۲۰۱۲ دادگاه مستند به قوانین یاد شده و در جهت حفظ حریم خصوصی کاربران اعلام نمود که فیس‌بوک الزامی به در اختیار قرار دادن محتوای حساب به وراثت ندارد. (&karim daftary, 2016, p281)

به هر روی، در برابر دفاع مورد بحث، برخی این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا متوقفاً نیز حریم خصوصی دارد؟ در پاسخ به این پرسش اتفاق نظر وجود ندارد. بر اساس یکی از اصول کامن‌لا، اسباب شخصی اقامه دعوا با مرگ خود شخص از بین می‌روند.

(actio personalis moritur cum persona. jones & wilson, 2007, p358, edwards & harbinja, 2013, p103, Harbinja, 2013, pp19-38.)

بر همین اساس، در حقوق آمریکا، در دو پرونده قدیمی، پذیرفته شده که حریم خصوصی با مرگ پایان می‌یابد.

(Shafer v. Grimes, 1867, Schuyler v. Curtis, 1895, Melissa Gaied, 2016, p281)

این رویه در سایر پرونده‌ها نیز تکرار شد.

(Reed v. Real Detective Publ'g Co., 1945, Kelly v. Johnson Publ'g Co., 1958, Nelson v. Gass, 1912, Abernathy v. Thornton, 1955)

در بیانیه دوم مسئولیت مدنی آمریکا نیز گفته شده که حریم خصوصی شخص با مرگ او پایان می‌یابد. بر این اساس، نمی‌توان به خاطر نقض حریم خصوصی متوقفاً طرح دعوا کرد. (Rösler Hannes, 2008, p153) در ادبیات دانشگاهی این کشور نیز عمدتاً همین باور پذیرفته

پذیرفت. به نظر می‌رسد به‌سختی بتوان این نتایج را پذیرفت (میرشکاری، ۱۳۹۶: ۸۶). برای همین، برخی از نویسندگان بر این باورند که ضرر صرف نظر از تجربه و درک ما واقع می‌شود.

(Joel Feinberg, 1980, p.45, Winter, S., 2010, 186-199)

در همین مسیر، باور به انقضای حریم خصوصی با مرگ شخص باوری فراگیر نیست، چنانکه در کشورهای سیویل‌لا تمایل بیشتری وجود دارد تا تداوم حقوق شخصیت پس از مرگ دارنده‌اش نیز به رسمیت شناخته شود. برای همین، به وراث اجازه اقامه دعوا به خاطر نقض حقوق شخصیت مورثان داده می‌شود.

(lilian edwards and edina harbinja, 2013, p103)

برای نمونه در آلمان، حمایت از حقوق شخصیت از اصل یکم قانون اساسی بر می‌خیزد که در رویه قضایی در مورد حمایت از شرافت شخص متوفا نیز اعمال شده است. در دو پرونده مشهور در این کشور، دادگاه‌ها از دو جنبه اقتصادی و غیراقتصادی حقوق شخصیت متوفا حمایت کردند. با این استدلال که تحقیر یا بدنام کردن شخص پس از مرگش بر خلاف روح قانون اساسی است. بر این اساس، مرگ نقطه پایانی به وظیفه حکومت برای حمایت از شخصیت افراد نمی‌گذارد.

([http://www.utexas.edu/law/academics/centers/transnational/Work\\_new/german/case.php?id=1478](http://www.utexas.edu/law/academics/centers/transnational/Work_new/german/case.php?id=1478), Marlene dietrich Bundesgerichtshof. last visited: 14/2/2018).

در حقوق ایران نیز، به نظر می‌رسد بقای حریم خصوصی پس از مرگ شخص ترجیح داشته باشد؛ چرا که نباید حقوق اساسی بشر مانند حریم خصوصی را به زندگان محدود کرد. (Buitelaar, 2017, pp. 129-142) در فقه نیز، حرمت انسان مرده را همستگ انسان زنده می‌دانند. («حرمة الميت كحرمة الحي»، مجلسی، ۱۴۰۶، ۶۶) در حقوق موضوعه هم، هنک حرمت میت در ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم‌انگاری شده است. بر اساس این ماده، «هرگاه شخصی به‌طور عمدی، جنایتی بر میت وارد سازد یا وی را هتک نماید، علاوه بر پرداخت دیه یا آرش جنایت، به سی و یک تا هفتاد و چهارضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شود».

حتی اگر بتوان ادعا کرد که حریم خصوصی با مرگ پایان می‌یابد پذیرش این باور درباره اطلاعات منتشره در فضای مجازی بسیار دشوار است. (Natasha Chu, 2013, p347, Noam Kutler, 2011, p1651, conner, 2011, p301, Jonathan Bick, 2005, p 29)

شده است. (Catherine Leibowitz, 2013, p347, Noam Kutler, 2011, p1651, conner, 2011, p301, Jonathan Bick, 2005, p 29) چنانکه گفته شده که حق حریم خصوصی بر اساس قانون اساسی تنها به شخص تعلق دارد و انسان مرده شخص شمرده نمی‌شود. (Swickard v. Wayne Cty. Med. Exam'r, 1991, Infante v. Dignan, 2011).

پیروی از این باور سبب می‌شود که برخی از نویسندگان دسترسی به حساب متوفا پس از مرگ وی را موجه بدانند. به باور اینان، وقتی شخص فوت می‌کند بیشتر از آنکه باید نگران حریم خصوصی متوفا باشیم، دل‌نگرانی ما باید به سمت حقوق وراثت تغییر جهت دهد. (Maria Perrone, 2012, P86) چنانکه در برخی از آراء چنین آمده است: «زندگی برای زندگان است و باید به‌وسیله آنها کنترل شود و نه به‌وسیله مردگان» (Atlantic Richfield Co. v. Whiting Oil and Gas Corp., 2014) باور گفته می‌شود که لطمه به حریم خصوصی زمانی معنا دارد که خود شخص متوجه لطمه دیدن آن شده و از نقض حقش آگاه شود و رنج بکشد، این در حالی است که مرده امکان آگاهی و توان رنج کشیدن ندارد. (Ray M.Madoff, 2010, P6, Feinberg, 1984, p14)

با این حال، آگاهی شرط مطالبه زیان است نه شرط ورود زیان. در واقع، همان‌گونه که در زیان به انسان زنده آگاهی وی شرط نیست، انسان درگذشته نیز همین‌گونه است. برای نمونه، اگر مال کسی را غصب کنند و یا آبرو و حیثیت کسی را از بین ببرند اما خود وی از آن باخبر نشود، آیا می‌توان او را زیان‌دیده ندانست؟ (Levenbook, 1984, p.407) مسلماً پاسخ این پرسش منفی است؛ عرف زیان‌دیده جاهل را نیز «زیان‌دیده» می‌دانند. (Feinberg, J., 1987, p.87) زیرا چه او بداند و چه نداند، مالش غصب شده و یا به آبرو و اعتبارش لطمه وارد شده است. افزون بر این، نتایج نادرستی از تلقی آگاهی به‌عنوان شرط وقوع زیان برداشت خواهد شد: برای نمونه، اگر انسانی به علت نبود خرد یا نداشتن درک و حس، متوجه توهین صورت گرفته به خودش نشود، بر اساس این نظر، ضرر معنوی محقق نشده است. همچنین، در دنباله همین برداشت، با توجه به اینکه بسیاری از حیوانات از قدرت درک بیشتری نسبت به انسان‌ها برخوردارند، ورود ضرر به حیوانات نیز قابل تحقق است. به‌همه این نتایج، این را نیز بیفزایید که اگر قدرت درک ضرر شرط تحقق ضرر باشد، غرامت قابل پرداخت از میزان قدرت درک انسان‌ها تأثیر خواهد

54, p2015) این امر به خاطر ماهیت تقریباً جاودانی و تکثیرشونده اطلاعات منتشره در فضای مجازی است. همچنان که دیوان عالی آمریکا پذیرفته که به خاطر ماهیت کمی و کیفی اطلاعات مجازی، این اطلاعات حمایت بیشتری را در خصوص حریم خصوصی می‌طلبند. (Riley v. California, 2014, Melissa Gaided,) به علاوه، حفظ حریم خصوصی پس از مرگ، با اراده خود اشخاص تیز سازگارتر است: نوعاً اشخاص تمایل به این دارند که حریم خصوصی شان در فضای مجازی پس از مرگ تیز محفوظ بماند. (Jason r. Hollon, 2013, p1031) بر اساس یک نظرسنجی در سال ۲۰۱۴ هفتاد درصد آمریکایی‌ها می‌خواهند ارتباطات آنلاین خصوصی شان، پس از مرگ نیز، خصوصی باقی بماند. (Mark Obenshain, 2015, p41) همچنین از قرائن نیز می‌توان این اراده را استنباط کرد: اینکه اشخاص بر روی حساب مجازی شان پسورد می‌گذارند یا اینکه بعضی از حساب‌های مجازی خصوصی بوده و برای رؤیت اطلاعات موجود در آن باید از دارنده‌اش اجازه گرفت، همه دلالت بر اراده شخص برای حفظ حریم اطلاعاتی‌اش دارد. (Sandi s. Varnado, 2014, p536) در واقع، این قرائن دلالت بر این دارد که شخص نمی‌خواهد هر کسی به حسابش دسترسی داشته باشد. حقوق نیز، باید به این اراده احترام بگذارد: نباید از یاد برد که اشخاص با استفاده از حساب‌های مجازی اطلاعات شخصی خویش را ذخیره می‌کنند یا پیام‌های خصوصی برای دیگران می‌فرستند یا چنین پیام‌هایی را دریافت می‌کنند؛ این پیام‌ها ممکن است به گونه‌ای باشد که کاربر حتی راضی به دسترسی خویشان نزدیک خویش نیز به آنها نباشد. چرا که بر حسن شهرت او اثر می‌گذارد. (atwater, 2006, p399) بنابراین، باید در برابر انتقال قهری اطلاعاتی که افشای آنها، حریم خصوصی کاربر را نقض می‌کنند، ایستاد.

#### د- رویکرد جامعه محور

در بحث وضعیت حساب مجازی پس از مرگ، نباید مناقع جامعه را فراموش کرد؛ از بین رفتن حساب و اطلاعات مندرج در آن با مرگ کاربر تنها به ضرر وراثت نیست، جامعه نیز در کلیت خویش زیان می‌برد؛ چرا که اطلاعات مجازی می‌تواند منبع ارزنده برای نشان دادن وضعیت جامعه کنونی به نسل‌های آتی باشد؛ در واقع، نسل‌های آتی می‌توانند با بهره‌گیری از حساب‌های مجازی، به اطلاعات ارزشمندی درباره نسل کنونی و روش زندگی آنها دست یابند. برای همین، پیش‌بینی می‌شود که تاریخ‌نویسان آینده بر اساس

همین اطلاعات مجازی تاریخ دوران کنونی را بنویسند. همچنانکه تاریخ‌نویسان کنونی نیز، در صورت دسترسی به نامه‌های مردمان عادی در قرن‌های گذشته، بهتر می‌توانند تاریخ آن دوران را بنویسند. برای نمونه، اخیراً نامه‌هایی با قدمت سیصد ساله در هلند کشف شد؛ نامه‌هایی که هرگز باز هم نشده بود. کشف این نامه‌ها کمک بسیاری به مورخین برای پی بردن به شرایط اجتماعی مردمان آن روزگار کرد. (Maev Kennedy, 2015, p1) با همین استدلال، به نظر می‌رسد نباید تاریخ‌نویسان قرن‌های آتی را از یک منبع مهم اطلاعاتی محروم کرد. (Jason mazzone, 2012, p1647) شاید به همین دلیل است که کتابخانه کنگره آمریکا در حال حاضر همه توییت‌های عمومی را آرشیو می‌کند چرا که منبع مناسبی برای نسل آینده است تا معنای زندگی را در قرن ۲۱ درک کنند. (noam kutler, 2011, p1651)

بر همین اساس، برخی از نویسندگان، پیشنهاد کرده‌اند که پس از مرگ کاربر و البته پس از گذشت مدتی متعارف که دیگر دغدغه نقض حریم خصوصی وجود ندارد، محتویات حساب کاربر به صورت عمومی منتشر شود. این گروه، این راه حل را به نفع علم تاریخ و جامعه می‌دانند تا آیندگان از روش زندگی ما به آسانی آگاه شوند. (Natalie M. Banta, 2016, p927)

اجرای این پیشنهاد در نظام حقوقی ما نیز، چندان دشوار نیست، همان‌گونه که همانند آن، در بحث آفریده‌های فکری پذیرفته شده است. بدین گونه که با سپری شدن مدت حمایت حق پدیدآورنده، استفاده از اثر برای همگان آزاد می‌شود (محمدی و شرقی، ۱۳۹۶: ۳۵۶). بر همین اساس نیز، می‌توان درباره اطلاعات مجازی تصمیم گرفت بدین معنا که این اطلاعات با گذشت مدت زمان مشخصی پس از مرگ کاربر در قلمرو عموم قرار گیرد.

#### بند چهارم- بحث و نتیجه‌گیری

برای تعیین وضعیت حساب کاربر و اطلاعات مندرج در آن پس از مرگ، نباید موضوع را به خواست شرکت‌های تأمین‌کننده حساب سپرد، چرا که معمولاً این شرکت‌ها با تحمیل اراده یک جانبه، آنچه را بیشتر به نفع خویش می‌دانند، در قالب توافق به کاربران تحمیل می‌کنند، برای همین، درست‌تر این است که قانون‌گذار با وضع قانون در این زمینه تصمیم بگیرد. (Banta, 2016, p928) برای ارائه پیشنهاد به قانون‌گذار، نخست باید دید مالکیت حساب از آن کیست؟ به نظر می‌رسد با توجه به اینکه حساب توسط شرکت‌ها ساخته می‌شود، همچنان متعلق به سازندگان آن است و کاربر تنها اجازه استفاده از آن را دارد. از طرف دیگر، از آنجا که اعطای اجازه برای استفاده تنها مختص خود کاربر بوده و به تعبیری مباشرت وی در آن شرط است،

اجازه استفاده از حساب به ورثه وی منتقل نخواهد شد. با این حال، پذیرش مالکیت شرکت بر حساب بدان معنا نیست که شرکت می‌تواند حساب را به دیگری منتقل و یا خودش از آن استفاده کند: حساب با نام کاربری ویژه کاربر ساخته شده، بنابراین، اشخاصی که از مرگ کاربر بی‌خبرند، ممکن است هنوز به حساب یاد شده پیام بفرستند، اتفاقی که قاعدتاً خوشایند نیست. به‌علاوه، ادامه فعالیت حساب می‌تواند به این معنا باشد که پیام‌های ارسال و دریافت شده از سوی خود متوفاً منتشر می‌شود، در حالی که متوفاً قاعدتاً به چنین کاری رضایت نداده است (John Conner, 2011, p301). برای همین، به نظر می‌رسد با بقای حساب (حتی در فرضی که شرکت آن را به دیگری منتقل نکند) بیم نقض حریم خصوصی اشخاصی برود که به تصور زنده بودن کاربر، برای حساب وی پیام بفرستند. در نتیجه، بهترین راه‌حل برای جلوگیری از هر گونه سوء استفاده احتمالی، این است که حساب با مرگ کاربر منقضی شود.

اما داستان اطلاعات مجازی متفاوت است: این اطلاعات توسط خود شخص ساخته می‌شود، برای همین، پذیرش مالکیت کاربر بر آن موجه است اما درباره سرنوشت اطلاعات پس از مرگ دو راه‌حل قابل تصور است: راه‌حل نخست، از بین بردن کلیه اطلاعات موجود در حساب است بدین معنا که شرکت به محض اطلاع از مرگ کاربر نسبت به نابودی اطلاعات اقدام کند اما این راه‌حل، سبب خواهد شد تا در عمل، مالکیت کاربر بر اطلاعات نقض شود، به‌علاوه، در فرضی که این اطلاعات دارای ارزش اقتصادی یا خبری برای جامعه باشد، از بین بردن آنها با منطق اقتصادی متعارف سازگار نیست. با نفی این گزینه، به نظر می‌رسد راه حل صحیح، پذیرش انتقال مالکیت اطلاعات از کاربر به ورثه وی باشد. این راه‌حل از این جهت قابل توجیه است که اصل بر انتقال کلیه حقوق متوفاً به ورثه است (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۱۲۵) اما این راه‌حل را باید تعدیل کرد: در واقع، چنانکه می‌دانیم، اگر حق چنان وابسته به شخصیت متوفاً باشد که نتوان این دو را از یکدیگر جدا دانست، حق یاد شده با ارث به وراثت متوفاً نخواهد رسید. «کونه حقاً قابلاً للانتقال لیصدق انه مما ترکه المیت بان لایکون وجود الشخص و حیانه مقوما له» (انصاری، ۱۴۲۰: ۱۱۰؛ حسینی شیرازی، ۱۳۸۵: ۶۸). حال، باید دید حق کاربر نسبت به اطلاعات مجازی اش تا چه اندازه به شخصیت متوفاً وابسته است؟ به نظر می‌رسد نتوان پاسخ مطلقی به این پرسش داد، بلکه باید با توجه به ماهیت اطلاعات مندرج در حساب داوری کرد: به گمان نگارنده، در فرضی که اطلاعات مندرج در حساب، ارزش مالی صرف داشته

(مانند تصویر هنری که شخص از منظره‌ای گرفته و در اینستاگرام خویش گذاشته) یا به امور مالی وی مربوط می‌شود (مانند اطلاعات پرداخت اقساط وام که در ایمیل شخص موجود است)، حق فرد نسبت به این گونه اطلاعات، به شخصیت او وابسته نیست، برای همین، به وراثت شخص خواهد رسید اما در فرضی که اطلاعات، جنبه شخصی داشته باشد، به‌گونه‌ای که افشای آن، حریم خصوصی کاربر و یا اشخاص ثالث را نقض کند، عدم پذیرش انتقال این اطلاعات از طریق ارث ترجیح داشته باشد. برای همین، به نظر می‌رسد دادگاه باید ناظر بی‌طرفی را تعیین کند تا متناسب با محتویات اطلاعات، درباره سرنوشت آنها تصمیم بگیرد. (JR Brubaker, L. Dombrowski, 2014, p 4157.)

با این حال، این سخن بدان معنا نیست که باید برای نابودی اطلاعات دسته دوم (اطلاعات وابسته به شخص) تصمیم گرفت: اطلاعات موجود در فضای مجازی، منبع خوبی برای آیندگان است تا از افکار و عقاید مردمان این روزگار اطلاعات به دست بیاورند. این اطلاعات دقیقاً همان نقشی را ایفا می‌کنند که نقاشی‌های کشیده شده روی غارها توسط انسان‌های نخستین ایفاء می‌کردند: همان‌گونه که این نقاشی‌ها به ما درباره روش زندگی و حتی روش اندیشیدن انسان‌های نخستین، اطلاعات باارزشی می‌دهند (منصورزاده، ۱۳۹۲: ۵)، اطلاعات موجود در فضای مجازی نیز، همین کارکرد را خواهند داشت. برای همین، به نظر می‌رسد نگهداری این اطلاعات به‌وسیله یک مرکز ملی برای آیندگان منطقی‌تر باشد. این مرکز پس از فوت اشخاص، اطلاعات حساب را از شرکت تأمین‌کننده گرفته و به‌صورت ایمن و محفوظ نگهداری خواهد کرد تا با گذشت زمانی طولانی از مرگ کاربر که دیگر خود شخص از یادها رفته و فراموش شده و دیگر دغدغه نقض حریم خصوصی وی وجود نداشته باشد، اطلاعات حساب به‌صورت عمومی افشا شوند. مدت یاد شده، طبیعتاً با توجه به شهرت یا عدم شهرت افراد متفاوت خواهد بود اما می‌توان مدت زمانی مشخصی را به‌صورت جداگانه برای افراد مشهور و غیرمشهور در نظر گرفت که البته در شرایط خاص و با ارائه دلایل موجه، قابل تمدید باشد.

به نظر می‌رسد این راه‌حل یعنی بستن خود حساب، انتقال فوری اطلاعات مالی به ورثه و افشای عمومی و با تأخیر سایر اطلاعات، حقوق همه افراد درگیر در مسئله را رعایت خواهد کرد: در عین حال که حقوق متوفاً را از جهت عدم نقض حریم خصوصی اش حفظ خواهد کرد و حقوق ورثه را از جهت انتقال اطلاعات مالی پاس خواهد داشت، به منافع عمومی جامعه و به‌طور ویژه حق آیندگان برای دانستن نیز احترام خواهد گذاشت. بدین ترتیب، سهم اصلی

law attorneys journal, vol9, pp.135-138.

Brubaker, Jr, dombrowski, am gilbert, n kusumakaulika and gr hayes, (2014), stewarding a legacy: Responsibilities and relationships in the management of post-mortem data' in proceedings of the Sigchi conference on human factors in computing systems, pp4157-4180.

Buitelaar, J. C., (2017), Post-mortem privacy and informational self-determination, *Ethics Inf Technol*, vol.19, pp.129-142.

cahn, naomi, (2011), postmortem life on-line, *probate & property*, vol.25, no.4, p.36-56.

conner, john, (2011), digital life after death: the issue of planning for a person's digital assets after death, *Plan. & cmt. Prop. L.j.*, vol3, pp301-354.

Carroll, Evan & john romano, (2011), your digital afterlife: when facebook, Flickr and twitter are your estate, what's your legacy?, *Vol.39-40*, p1-25.

evan carroll, digital assets: a clearer definition, *digital estate Resource*, available: <http://commcns.org/13ijil5>, jan. 30, 2012.

Cha, ariana e., (2005), after death, a struggle for their digital memories, the washington post, feb.3, available at <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/articles/a58836-2005feb2.html>.

Cummings, rebecca g., (2014), the case against access to decedents'E-mail: password protection as an exercise of the right to destroy, *minn. J. L. Sci. & tech.*, vol. 15:2, p898-912.

conway, h., & grattan, s., (2017), The new new property: dealing with digital assets on death. In h. Conway, & r. Hickey (eds.), *modern studies in property law*, Hart publishing, oxford, vol9, pp. 99-115.

Darrow, jonathan j. & gerald r. Ferrera, (2007), who owns a decedent's e-mails: inheritable probate assets or property or the network?, *N.y.u. J. Legis. & pub. Pol'y*, vol10, pp.281-291.

Darrow, jonathan j. & gerald r. Ferrera, (2008), email is forever... or is it?, *j. Internet*,

و بیشتر از اطلاعات حساب‌های مجازی به آیندگان خواهد رسید: ارتی برای نسل‌های آینده و نه فقط، نسل آینده.

#### منابع:

#### فارسی:

انصاری، مرتضی (۱۴۲۰). کتاب المکاسب. کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۲). چاپ ششم. ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). قواعد عمومی قراردادها. چاپ دوم. تهران: شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). وصیت. تهران: دانشگاه تهران.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). ارث. تهران: دادگستر.

حسینی شیرازی، محمد (۱۳۸۵). ایصال الطالب إلى المکاسب. مؤسسه کتاب‌سرای اعلی.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۶). ملاذالاحیاء فی فهم تهذیب الاحیاء. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله مرعشی.

محمدی، پژمان؛ شرقی، مرضیه (۱۳۹۴). «نگرشی بر ماهیت آفریده‌های فکری پس از تعلق به قلمرو عمومی». *مطالعات حقوق تطبیقی*. دوره ۶. شماره ۱.

منصورزاده، یوسف (۱۳۹۲). «تحلیلی بر ماهیت نقاشی‌های غاری پیش از تاریخ اروپا». *نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی*.

میرشکاری، عباس (۱۳۹۶). رساله عملی در مسئولیت مدنی. چاپ سوم. بی‌جا.

#### منابع لاتین:

Atwater, justin, (2006), who owns e-mail? Do you have the right to decide the disposition of your private digital life?, *utah l. Rev.*, pp397-404.

Banta, Natalie m., (2014), inherit the cloud: the role of private contracts in distributing or deleting digital assets at death, *fordham law review*, volume 83, issue 2, p12-25.

Banta, Natalie m., (2016), death and privacy in the digital age, *north carolina law review*, vol. 94, pp928-990.

Beyer, gerry w. & naomi cahn, (2011), when you pass on, don't leave the passwords behind: planning for digital assets, *probate & property*, vol.26, no.1, pp.40-65.

Beyer, gw and n cahn, (2013), digital planning: the future of elder law, *national academy of elder*

Hollon, Jason R., (2013), tweets from the grave: social media Life after death, *ky. L.j.*, vol102, pp1031-1050.

Hopkins, Jamie P., (2013), afterlife in the cloud: Managing a digital estate, *hastings sci. & tech. L.j.*, vol5, pp209 -246.

Jones, Victoria & Alastair Wilson, (2007), photographs, privacy and public places, *Eur. Intell. Prop. J.*, vol29, pp.357- 358.

Kalven Jr., Harry, (1966), privacy in tort law: were Warren and Brandeis wrong?, *law & Contemp. Probs*, vol31, pp326-350.

Karim, Jawed and Anisa Daftary-, (2005), facebook Jonathan Bick, inheriting deceased's e-mail, *n.j. L.j.*, mar. 7, pp29-56.

Maev Kennedy, Undelivered Letters Shed Light on 17th Century Society, *Guardian*, available at: <http://www.theguardian.com/world/2015/nov/08/undelivered-letters-17th-century-dutch-society?CMP=fbgu>.

Kutler, Noam, (2011), protecting your online you: a new approach to handling your Online persona after death, *berkeley tech. L.j.*, vol.26, pp1641-1651.

Lastowka, f. Gregory & dan hunter, (2004), the laws of the virtual worlds, *calif. L. Rev.I*, vol.92, pp50 -75.

Leibowitz, Catherine, (2013), a right to be spared unhappiness: images of death and the expansion of the relational right of privacy, *cardozo arts & ent. L.j.*, vol32, pp347-350.

Levenbook, Barbara Baum, (1984), Harming Someone After His Death, *Ethics*, Vol. 94, No.3, pp.400-427.

Lilian, Edwards, Edina Harbinja, (2013), protecting post-mortem privacy: reconsidering the privacy interests of The deceased in a digital world, *cardozo arts & entertainment*, vol. 32:1, pp103-150.

Mccullagh, Declan, facebook fights for deceased beauty queen's privacy, available at: <http://news.cnet.com/8301-135783-57518086->

vol11, pp.1-15.

Debatin, Bernhard, Jennette P. Lovejoy, (2009), facebook and online privacy: attitudes, Behaviors, and unintended consequences, *journal of computer-mediated communication*, vol.15, vol. 83-108.

Dickens, Robert Lee, (2007), finding common ground in the world of electronic contracts: the consistency of legal reasoning in clickwrap cases, *marq. Intellectual property l. Rev.*, no11, pp.379-400.

Feinberg, J., (1984), *Harm to Others*, Vol. 1, Oxford University Press.

Feinberg, Joel, (1980), Harm And Self-Interest, In *Rights, Justice, And The Bounds Of Liberty: Essays In Social Philosophy*, pp.40-56.

Feinberg, J. (1987), *The Moral Limits Of The Criminal Law, Volume 1: Harm To Others*. University Press Scholarship Online, pp.80-100.

Gaied, Melissa, (2016), data after death: an examination into heirs' access to a decedent's private online account, *suffolk university law review*, vol.Xlix, pp.281-300.

Gross, R., & Acquisti, A., (2005), Information revelation and privacy in online social Networks. Workshop on privacy in the electronic society (wpes). Retrieved October 2, 2007, from <http://privacy.cs.cmu.edu/dataprivacy/projects/facebook/facebook1.pdf>

Haworth, Samantha, (2014), laying your online Self to rest: evaluating the uniform fiduciary access to digital assets act, *university of miami law review*, vol. 68:535, pp536-570.

Harbinja, E. (2013). Does the EU data protection regime protect postmortem privacy and what could be the potential alternatives? *Scripted*, 10(1), pp19-38.

Hetcher, Steven, (2008), user-generated content and the future of copyright: part Two-agreements between users and mega-sites, *santa clara computer & high Tech. L.j.*, vol24, pp.829-843.

law: the rising power of the american dead, vol1, pp6-7.

Rösler, Hannes, (2008), dignitarian posthumous personality rightsan analysis of u.s. And german constitutional and tort law, berkeley j. Of int'l l., vol26, pp.153-180.

Rosen, Jeffrey, (2012), the right to be forgotten, stan. L. Rev. Online, vol.64, pp.88-90.

Roy, michael d., (2011), beyond the digital asset dilemma: will online services revolutionize estate planning, quinnipiac prob. L.j., vol24, pp 376-381.

Schneider, Nicole, (2013), social media wills:Protecting digital assets, j. Kan. B. Ass'n, vol82, pp16-36.

Tarney, tyler g. (2012), comment, a call for legislation to permit the transfer of digital assets at death, cap. U. L. Rev., vol40, p773-795.

Truong, olivia y., (2009), virtual inheritance: assigning more virtual property rights, syracuse sc. & tech. L. Rep., vol21, pp.57-83.

Varnado, sandi s., (2014), your digital footprint left behind at death: an illustration of technology leaving the law behind, louisiana law review, volume 74, number 3, pp.710-730.

Wilkens, molly, (2011), privacy and security during life, access after Death: are they mutually exclusive?, hastings l.j., vol62, pp.1037- 1039.

Watkins, ashley f., (2014), digital properties and death: what will your heirs have access to after you die, buffalo law review, vol 62, pp193-210.

Winter, S., (2010), Against posthumous rights. Journal of Applied Philosophy, 27(2), pp.86-199.

38/facebook-fights-for-deceased-beauty-queens-privacy/.

Mccallig, Damien, (2014), Facebook after death: an evolving policy in a social network. International journal of law and information technology, vol. 22, no.2, pp. 107-140.

Mccullough, Colleen, (2016), unconscionability as a coherent legal concept, university of pennsylvania law review, vol.164, pp779-795.

Mazzone, Jason, (2013), the right to die online", j. Internet l., vol16., pp13-35.

Natasha chu, (2015), protecting privacy after death, northwestern journal of technology and intellectual property, volume 13, issue 2, pp45-65.

Obenshain, mark, jay leftwich, (2015), protecting the digital afterlife: virginia's privacy expectation afterlife and choices act, richmond journal of law and the public interest, vol.Xix:i, pp.41-75.

Pinch, Rachel, (2015), protecting digital assets after death: Issues to consider in planning for your digital estate, wayne l. Rev., vol60, pp.545-570.

Perrone, maria, (2012), what happens when we die: estate planning of digital assets, commlaw conspectus, vol. 21, pp86-100.

Preston, Cheryl b. & eli w. Mccann, (2011), unwrapping shrinkwraps, clickwraps, and Browsewraps: how the law went wrong from horse traders to the law of the horse, byu j. Pub. L. 1, vol.26, pp.17-18.

Ray, Chelsea, (2013), til death do us part: a proposal for handling Digital assets after death, real prop. Tr. & est. L.j., vol47, pp.583- 586.

Ray, m.madoff, (2010), immortality and the

### منابع اینترنتی:

<http://www.lexology.com>  
<https://www.delta.com>  
<http://www.ihg.com>  
<http://www.marriott.com>  
<http://www.kiplinger.com>  
<http://www.utexas.edu>  
<https://vatanmail.ir/regf>  
<https://mail.iran.ir/signUp>  
<https://eitaa.com>  
<https://soroush-app.ir>  
<http://www.picofile.com/terms>

<Http://ispa.ir>  
<Https://www.facebook.com>  
<Http://www.instagram.com>  
<Https://www.linkedin.com>  
<www.dropbox.com>  
<http://www.google.com>  
<http://windows.microsoft.com>  
<http://info.yahoo.com>  
<https://twitter.com>  
<http://consumerist.com>  
<http://www.apple.com>  
<http://answers.microsoft.com>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی